

فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا
شماره پنجم - بهار ۱۳۸۹
صص ۱۷۰ - ۱۳۵

بررسی مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در افق چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر امنیت درونی)

محمدعلی تصدیقی^۱ - فروغ تصدیقی^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۷

تاریخ تصویب: ۸۹/۵/۱۳

چکیده

احراز جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه، براساس سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، منوط به الزاماتی در مدیریت نهادها و سازمان‌های جامعه است. یکی از این الزامات، امنیت سیاسی و اجتماعی است که مدیریت جامعه در این زمینه نقش مهمی برعهده دارد. مدیریت سیاسی جامعه، علاوه بر نقش امنیت بیرونی و برقراری نظم، نقش دیگری به نام امنیت درونی را در جامعه نیز برعهده دارد. در امنیت درونی که

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

در این مقاله بر آن تأکید می‌شود، رابطه‌ی بین افراد و جامعه را، محبت تشکیل می‌دهد که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ما نیز می‌باشد. امنیت درونی، نقش پیش‌گیرانه دارد و زمینه‌ی ایجاد عوامل مغل امنیت را در جامعه از بین می‌برد و امنیت بیرونی را تسهیل می‌کند. مدیریت سیاسی جامعه برای ایجاد چنین امنیتی نیازمند تغییر و تحولی بنیادین در اهداف، روش‌ها، مدیریت و برنامه ریزی‌های درون سازمان‌ها است که تحقق اهداف سند چشم‌انداز را میسر خواهد کرد. علاوه بر این، امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه، نیازمند مؤلفه‌های ثبات سیاسی، ثبات مدیریت، امنیت شغلی، امنیت فرهنگی، بهداشت روانی، ایجاد روحیه‌ی مشارکت، ایجاد محیط مؤثر و امن و خودکنترلی است که با همکاری دیگر نهادهای اجتماعی به ویژه آموزش و پرورش، صدا و سیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی و... قابل تحقق است.

روش مورد استفاده در این تحقیق روش توصیفی از نوع کتابخانه‌ای است. برای دستیابی به مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی و در پاسخ به این سؤال که جامعه‌ی ایران در افق ۱۴۰۴، نیازمند چه مؤلفه‌هایی در راه امنیت سیاسی و اجتماعی است؟ و این که آیا ثبات سیاسی، ثبات مدیریت، امنیت شغلی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی، بهداشت روانی، روحیه‌ی مشارکت، محیط مؤثر و امن و خودکنترلی موجب ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی می‌شود؟ با مطالعه‌ی مقالات و کتاب‌ها راجع به مدیریت و امنیت سیاسی و اجتماعی و مشاوره با صاحب نظران و با تعمق و اندیشه درباره‌ی آن‌ها، مؤلفه‌های امنیت سیاسی اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی ایران شناسایی شد و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پیشنهادات لازم ارائه گردید.

کلید واژه‌ها: امنیت سیاسی و اجتماعی، امام خمینی^(ره)، استاد مطهری^(ره)، چشم‌انداز ۱۴۰۴، امنیت درونی، احترام متقابل

مقدمه

الف - طرح مسأله:

جامعه^۱ جمهوری اسلامی ایران در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیاز به امنیت^۲ دارد. به عبارت دیگر، نهادها محل پیاده شدن اهداف جامعه است و افراد و دیگر ارکان جامعه باید در محیطی آرام و امن و صمیمانه؛ بدون دغدغی خاطر و عوامل مزاحم، اهداف جامعه را تحقق ببخشند؛ محیطی که جریان رشد و کمال انسان را نیز میسر سازد. نقش مدیریت^۳ جامعه، در این زمینه اهمیت به سزایی دارد؛ زیرا می‌تواند با برنامه‌ریزی‌ها^۴، سازماندهی‌ها^۵، هماهنگی‌ها^۶، نظارت‌ها^۷ و غیره در ایجاد این امنیت نقش مهمی بر عهده داشته باشد. چنین امنیتی بازوانی قوی برای مدیریت است که در روند توسعه‌ی برنامه‌های آموزشی و رشد و کمال انسان، مدیریت را در تصمیم‌گیری‌ها^۸؛ برنامه‌ریزی‌های آموزشی^۹ و برنامه‌ریزی‌های درسی^{۱۰} یاری می‌بخشد (تصدیقی، ۱۳۷۴: ۱۴). بنابراین هدف از ایجاد امنیت در نهادها و نقش آن در جامعه، ایجاد محیطی متعادل برای رشد و کمال است و همه‌ی دست‌اندرکاران مدیریت در این زمینه سهم مهمی دارند. مدیریت جامعه در زمینه‌ی ایجاد شرایط و بستر سازی امنیت سیاسی و اجتماعی، نقش ویژه‌ای دارد، نقشی که باید

1. Society

2. Safety ; Security

3. Administration

4. Planning

5. Organizing

6. Coordinating

7. Supervision , Control

8. Decision - Making

9. Educational Planning

10. Curriculum Development

مورد توجه مسئولان قرار گیرد. نهادهای یک جامعه اگر از این امنیت بی‌بهره باشند؛ در جهت تحقق اهداف خود، ناخواسته با مشکلات بی‌شماری روبرو می‌گردند که آثار زیان‌بخش و جبران‌ناپذیری برای جامعه در برخواهد داشت. به امید آن که با اعتلای فرهنگ و آموزه‌های اسلامی در جامعه‌ی ایران اسلامی؛ توجه به امنیت در جامعه و نهادهای آن بیش از پیش مورد توجه مسئولان جامعه قرار گیرد.

ب- اهداف:

روی آوری به امنیت سیاسی و اجتماعی در جامعه‌ی ایران، همواره چنین اهدافی را در جامعه دنبال خواهد کرد:

۱. تغییر و تحول بنیادی در اهداف و روش‌های ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی.
 ۲. تغییر و تحول بنیادی در مدیریت امنیت سیاسی و اجتماعی.
 ۳. تغییر و تحول بنیادی در برنامه ریزی‌های امنیت سیاسی و اجتماعی.
 ۴. تغییر و تحول بنیادی در نگرش مردم نسبت به امنیت سیاسی و اجتماعی.
- تحقق اهداف فوق، زمینه را برای تحقق اهداف امنیت سیاسی و اجتماعی، تسهیل خواهد کرد و جامعه‌ی اسلامی ایران را، پویایی تازه‌ای خواهد بخشید.

پ- مبانی نظری:

جایگاه امنیت در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج.ا.ا.:

دست‌یابی موفقیت‌آمیز هر نظام سیاسی به اهداف و مقاصد خویش و پیمودن مسیر پیشرفت و توسعه در گرو توانایی‌هایی است که امکان پیشبرد اهداف ملی را در عرصه‌ی عمل، با کمترین مزاحمت و بیشترین مطلوبیت به سیاست‌مداران و مجریان بدهد. برخوردارگی از این توانایی چه به مثابه‌ی یک هدف مستقل و چه به عنوان پیش شرط تحقق سایر اهداف، مطمع نظر تدوین‌کنندگان سند چشم‌انداز ج.ا.ا. در افق ۱۴۰۴ بوده است.

مفهوم کانونی و محوری امنیت ملی، سطح قدرت یک کشور است. قدرت، کانون امنیت ملی بوده و تمام کارهایی که یک دولت باید انجام دهد در مسیر افزایش قدرت ملی و برای قاعده‌مندی و سامان داخلی (امنیت داخلی) یا ایجاد بازدارندگی و حفظ تمامیت ارضی و هویت عمومی کشور، در برابر دیگر کشورها است. از این رو درصد زیادی از امنیت ملی از آن جا ناشی می‌شود که مجموعه‌ی نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیران یک کشور توانسته باشند، جهت‌گیری کشور را مشخص کنند. این جهت‌گیری باید به صورت مکتوب و سند باشد تا همه بتوانند به آن رجوع کنند (سریع القلم، ۱۳۸۲، ۴۳۳).

تنظیم سند چشم‌انداز ج.ا.ا. در افق ۱۴۰۴، گام بلندی در راستای ایجاد چارچوب مشترک و تعیین جهت‌گیری امکانات و منابع کشور برای تحقق اهداف ملی است. بر مبنای این سند در برنامه‌ی چهارم توسعه، دولت موظف گردیده است که اقداماتی را از قبیل: تهیه‌ی طرح راهبردی توسعه و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی، جایگزینی ارزش‌ها و کنترل‌های درونی و ارتقای احساس امنیت در جامعه و ارتقای حضور و سهم نیروهای مردمی در استقرار امنیت و... محقق سازد.

در سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، به امنیت نیز اشاره شده است. در یکی از بندهای آن چنین آمده است: «جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی را خواهد داشت: امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه با مردم و حکومت، توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی». طرح چنین موضوعی در سند چشم‌انداز بر اهمیت آن می‌افزاید و توجه مسئولان مربوط را به امنیت اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

امنیت سیاسی و اجتماعی

■ تعاریف، مفاهیم و انواع آن:

از دیرباز امنیت بعد از نیازهای اولیه، یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها بوده است. امنیت به مفهوم رهایی از ترس و خطر و احساس دوری از هر گونه تهدید، یکی از نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها از آغاز زندگی بوده است. امنیت به این معنا پیوند عمیقی با ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۶). شهرهای پرجمعیت و محیط‌های بزرگ اجتماعی، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های فراوانی را به همراه داشته است و بستری برای ایجاد اختلال و ناامنی را در این گونه جوامع به وجود آورده است. عواملی مانند: رشد حاشیه‌نشینی، افزایش یأس اجتماعی، گسترش جرم و جنایت، چند پارگی فرهنگی، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و... در بین گروه‌های شهری امنیت اجتماعی را به شدت کاهش می‌دهد. تعاریف لغوی امنیت در فرهنگ‌های لغت عبارت از، درامان بودن، آرامش و آسودگی، حفاظت در مقابل خطر، احساس آزادی و ایمنی و رهایی از تهدید است. (Secures)، ریشه‌ی لاتین واژه‌ی امنیت (Security) می‌باشد که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۶). امنیت را به شکل‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند: برخی آن را مصونیت از تعرض و اجبار دانسته‌اند و بعضی آن را عدم هراس افراد نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود و به مخاطره نیفتادن آن‌ها می‌دانند (گلیزال، ۱۳۷۶، ۳۳). به دیگر سخن، منظور از امنیت ایجاد شرایطی است که فرد بتواند در آن آزادانه رشد کند و هیچ‌گونه ترسی از عوامل بیرونی زمان حال و آینده نداشته باشد. به عبارت دیگر ارضای نیاز به حفاظت از خود در حال و آینده؛ نیاز رهایی از وحشت و اضطراب؛ تأمین جانی و عدم محرومیت از نیازهای اساسی برای فرد ایجاد امنیت می‌کند (رضائیان، ۱۳۷۲: ۴۲).

■ انواع امنیت:

اگر بخواهیم نقش امنیت را در زندگی انسان‌ها بررسی کنیم می‌توان آن را به دو بخش امنیت بیرونی و درونی دسته‌بندی نمود:

۱- **امنیت بیرونی:** یعنی امنیتی که از بیرون بر فرد تحمیل می‌شود و نظم ظاهری و بیرونی نام دارد. در این نوع امنیت، با دیکته کردن یک سری مقررات و قوانین انضباطی، امنیتی ظاهری در جامعه ایجاد می‌شود. چنین امنیتی ممکن است در کوتاه مدت مفید باشد، اما در دراز مدت، اثرات تخریبی برای جامعه در بر خواهد داشت، زیرا چنین امنیتی محیط مساعدی برای رشد انسان‌ها نمی‌باشد و به جای این که امنیت ایجاد کند، امنیت روانی افراد را به خطر می‌اندازد و به جای این که ترس از حال و آینده را از بین ببرد، خود به وجود آورنده‌ی ترس در محیط جامعه است. اگر امنیت تحمیلی و بیرونی باشد، شکننده و آسیب‌پذیر می‌شود و از سویی دیگر دولت ملزم به صرف هزینه‌های سنگین در برقراری امنیت می‌شود. در این صورت امنیت از ثبات و پایداری برخوردار نخواهد بود.

۲- **امنیت درونی:** نوع دوم امنیت؛ امنیتی است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، امنیت در این معنا ایجاد شریطی است که همه‌ی افراد در آن احساس امنیت کنند. چنین امنیتی مطلوب جامعه است و نیازهای روحی افراد را نیز ارضا می‌کند، محیط رشد و کمال انسان را تسهیل می‌کند و به جای این که ترس و اضطراب ایجاد کند، آن‌ها را از میان برمی‌دارد و در نهایت چنین امنیتی موجب کمال فرد و توسعه‌ی جامعه می‌گردد. احساس امنیت، بستر مناسبی برای تحقق امنیت عینی در جامعه است. احساس روانی امنیت در بین افراد جامعه به عنوان سرمایه‌های اجتماعی تلقی می‌شوند و تنها با وجود پشتوانه‌ی اخلاقی محکمی که افراد خود را به انجام آن مقید بدانند، مقدور است. به عبارت دیگر، کنترل و نظارت در سطح جامعه نباید صرفاً بیرونی و همراه با اجبار باشد، بلکه اگر افراد جامعه، خود کنترلی را در تعاملات اجتماعی پیش گیرند، قطعاً امنیت اجتماعی پایدار

و مستمری در جامعه به وجود خواهد آمد. اگر به جای امنیت بیرونی و نظارت و کنترل شدید و صرف هزینه‌های سنگین برای مقابله با افراد نابهنجار، به تربیت صحیح و جامعه‌پذیر کردن کودکان و تقویت نهادهای آموزش و پرورش پرداخته شود، می‌توان به تحقق امنیت درونی امید بیشتری داشت. نبود نهادهای آموزشی مناسب در جامعه، امنیت اجتماعی واقعی را دچار آسیب‌هایی می‌کند. موسوی ضمن بیان لازم و ملزوم بودن امنیت بیرونی و امنیت درونی، بر امنیت درونی تأکید می‌کند: امنیت درونی یا همان امنیت روانی مسلماً مهم‌ترین فاکتور زندگی سالم هر انسانی می‌باشد. در عین حال امنیت بیرونی و امنیت درونی لازم و ملزوم هم در یک جامعه می‌باشند. (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۰).

به عبارت دیگر فرد در امنیت درونی به دلیل فقدان اجبار و اعمال قدرت از بالا، از موهبت اعتماد اجتماعی و نوعی همدلی برخوردار است و بدین طریق زمینه‌ی مشارکت اجتماعی در ایجاد امنیت فراهم می‌آید. منظور از امنیت اجتماعی، آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می‌کند. اگر افراد اعتقاد به داشتن مسئولیت در برابر جامعه را در خود احساس کنند، این امنیت بهتر و مؤثرتر پیش خواهد رفت و هرگونه امنیتی بدون مشارکت مردم، امکان تحقق بسیار ضعیفی خواهد داشت.

باری بوزان^۱ استاد مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل دانشگاه ال. اس. ای (L.S.E.) لندن، امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند. به عبارت دیگر امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند (گروس، ۱۳۸۶، ۲۶).

اغلب رفتارهای نابهنجار در جامعه نتیجه‌ی فشارهایی است که بر افراد جامعه وارد می‌آید. به اعتقاد رابرت مرتن: فشار معینی از طریق ساختارهای جامعه بر برخی افراد جامعه اعمال می‌شود تا آن‌ها را به رفتار نابهنجار وا دارد (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۳). البته میزانی

1. Barry Buzan

از نابهنجاری در هر جامعه‌ای وجود دارد و هیچ جامعه‌ای نیست که در آن همه‌ی هنجارها و قوانین به درستی و کامل رعایت شود، اما به طور کلی منظور این است که ساختارهای نامناسب جامعه، فرد را در شرایطی قرار می‌دهد که به اعمال خلاف قوانین اجتماعی دست بزند و امنیت و نظم اجتماعی را برهم بزند. حال هرچه میزان اخلاق اجتماعی که فرد بدان پای‌بند است، بالاتر رود و فرد بیشتر با تعهدات و وظایف اجتماعی خود آشنایی یابد، امکان احترام به حقوق اجتماعی نیز فزونی می‌یابد. هنگامی که فرد به خود کنترلی اقدام ورزد و ارزش‌ها و هنجارهای جامعه برایش درونی گردد، فضای آرام فکری و روانی برای همگان فراهم می‌آید و خلاقیت و مشارکت اجتماعی شکل می‌گیرد و به تبع آن، اعتماد اجتماعی و امنیت اجتماعی گسترش روزافزونی خواهد داشت.

آمیتای اتزیونی^۱ دانشمند مدیریت، در این زمینه معتقد است که مدیران برای اداره و ایجاد امنیت سازمانی و اجتماعی دارای دو نوع قدرت هستند؛ یکی قدرت مقام و دیگری قدرت شخصی. تمایزی که وی میان این دو مفهوم قایل است؛ از مفهوم قدرت به عنوان توانایی در تاثیر گذاری بر رفتار ناشی می‌شود. به عقیده‌ی وی قدرت از یک مقام سازمانی یا اجتماعی، نفوذ شخصی یا هر دو، سرچشمه می‌گیرد. فردی که در سایه‌ی مقام سازمانی و اجتماعی خود قادر است فرد دیگری را به انجام کار معینی ترغیب کند، قدرت مقام دارد؛ در حالی که فردی که قدرتش را از زیردستانش می‌گیرد؛ قدرت شخصی دارد. برخی افراد هر دو قدرت مقام و شخصی را دارند. اتزیونی معتقد است که بهترین وضعیت برای یک مدیر هنگامی است که وی هر دو قدرت را داراست. ماکیاولی^۲ در رساله‌ی شهریار^۳ که آن را در قرن پانزده میلادی به رشته‌ی تحریر در آورده است؛ ضمن طرح این سؤال که آیا بهتر است با زیردستان رابطه‌ی مبتنی بر محبت (قدرت شخصی) داشت یا رابطه‌ی مبتنی بر

1. Amitai Etzioni

2. Machiavelli

3. The Prince

ترس؟ (قدرت مقام)؛ نقطه نظر جالبی ارائه می‌دهد. وی نظیر اتریونی معتقد است که بهترین وضع آن است که هم دوستت بدارند و هم از تو بترسند (علاقه بند، ۱۳۶۵: ۹۲). و این همان مطلبی است که در مدیریت اسلامی به ویژه، مدیریت حضرت علی (ع) به آن جاذبه و دافعه، گفته شده است. استاد شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: جاذبه و دافعه یعنی تأثیر بر روی انسان‌ها به شکل مثبت یا منفی و حضرت علی(ع) را دارای جاذبه و دافعه‌ی نیرومند می‌داند (مطهری، ۱۳۶۴: ۷).

استاد مطهری، انسان‌ها را از نظر جاذبه و دافعه به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱. مردمی که نه جاذبه دارند و نه دافعه.
 ۲. مردمی که جاذبه دارند، اما دافعه ندارند.
 ۳. مردمی که دافعه دارند، اما جاذبه ندارند.
 ۴. مردمی که هم جاذبه دارند و هم دافعه.
- وی دسته‌ی چهارم را چنین توصیف می‌کند: گروه‌هایی را به سوی خود می‌کشند و در دل‌هایی به عنوان محبوب و مراد جای می‌گیرند و گروه‌هایی را هم از خود دفع می‌کنند و می‌رانند. هم دوست سازند و هم دشمن ساز. هم موافق‌پرور و هم مخالف‌پرور (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۸-۲۱). مدیریت سیاسی و امنیتی در جامعه‌ی اسلامی باید دارای جاذبه و دافعه باشد، زیرا اگر بخواهد صرفاً امنیت را با تکیه بر قدرت مقام (دافعه) ایجاد کند؛ امنیت ایجاد شده ظاهری و کوتاه مدت است و در دراز مدت، مدیریت را با شکست مواجه خواهد کرد، ولی اگر با تکیه بر قدرت و نفوذ شخصی و با تأثیرگذاری بر رفتار دیگران (جاذبه)؛ مدیریت و رهبری کند؛ امنیت ایجاد شده، پایدار و با دوام خواهد بود.

مفهوم امنیت سیاسی - اجتماعی و کنترل، از دیدگاه غرب و اسلام

مفهوم امنیت سیاسی - اجتماعی و کنترل از دیدگاه غربی و اسلامی با توجه به اهداف مدیریت در غرب و اسلام با هم تفاوت بنیادین دارد. از دیدگاه غرب، این امنیت و کنترل،

بیرونی است یعنی برافراد تحمیل می‌شود، زیرا از این دیدگاه، انسان در جامعه و محیط کار، موجودی است که کار برای او یک بلای اجتناب‌ناپذیر است و باید برای کار بیشتر با کنترل دقیق و توأم با سخت‌گیری، او را وادار به کار کرد. نظارت و کنترل در این معنا، تحقیر شخصیت انسانی را به دنبال دارد.

در صورتی که از دیدگاه مدیریت اسلامی، در درجه‌ی اول امنیت و کنترل به معنای تشویق نیروهای انسانی به ترس از خدا و نظارت خدا بر اعمال و کردار آنان می‌باشد و هدف، رشد و کمال انسان در سازمان و جامعه است. این نظارت درونی است، یعنی فرد علاوه بر این که خدا را در درون خود ناظر و حاضر می‌داند، خود نیز به نظارت و کنترل خود می‌پردازد. در این دیدگاه انسان از کار بیزار نیست و موجودی است که کار جوهر وجودی اوست و کار، او را به کمال می‌رساند و استعدادهای بالقوه‌ی او را شکوفا می‌سازد. زیرا انسان خلیفه و جانشین خدایی است که او نیز همیشه در کار است؛ کل یوم هو فی شأن (قرآن کریم، سوره الرحمن، آیه: ۲۹).

امنیت و کنترل در مدیریت اسلامی به منظور ارتقای شخصیت انسانی و کمال او صورت می‌گیرد. افجه‌ای در این زمینه در مقایسه‌ی مدیریت غربی با مدیریت اسلامی، چنین می‌نویسد: کنترل و امنیت، از جمله مباحث مهم در مدیریت سیاسی و اجتماعی است. امروز در غرب با استفاده از سیستم‌های تلویزیونی، صوتی، بازرسی مستقیم، گزارش کارکرد روزانه در جدول‌های زمان‌بندی شده‌ی مخصوص سعی در اعمال کنترل بر نحوه‌ی عملکرد انسان‌ها می‌نمایند که شخصاً از یک پدیده‌ی غیراسلامی و غیر الهی پیروی می‌نماید و همانا عدم تشویق نیروهای انسانی به ترس از خدا یا کنترل بر اعمال و کردار روزانه‌ی آنان می‌باشد. در حقیقت این روش در عوض اینکه انسان‌ها را با توکل به خدا و برای رضای وی، چه در نهان و چه در آشکار تشویق نمایند او را با ترس از خداهای زمینی چه در شکل ابزار مکانیکی (دوربین‌های تلویزیونی) و چه در شکل انسان‌های زمینی

(بازرسان علنی) و چه با انگیزه‌های مادی (تشویق و تنبیه با پول) و ادار به اشتغال می‌سازند (افجه‌ای، ۱۳۶۲: ۲).

امنیت سیاسی و اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (ره):

در بحث امنیت سیاسی دیدگاه‌های امام راحل (ره) را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و سیاست خارجی مورد توجه قرار داد: در زمینه‌ی سیاست داخلی عوامل زیر، به عنوان اساسی‌ترین عناصر در برقراری امنیت نظام جمهوری اسلامی قابل بحث می‌باشند: جایگاه ولایت فقیه و رهبری، صیانت از اسلامیت نظام، پایگاه مردمی نظام، رعایت اصل استقلال، التزام به قانون (قانون‌گرایی).

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره نقش و جایگاه ولایت فقیه با توجه به پیام‌ها، سخنرانی‌ها و نوشته‌های متعدد ایشان بر هیچ‌کس پوشیده نیست. به عنوان نمونه، درباره‌ی اهمیت این اصل اساسی و شأن امنیتی آن می‌فرمایند: «بهترین اصل در اصول قانون اساسی، اصل ولایت فقیه است». «من به همه‌ی ملت، به همه‌ی قوای انتظامی، اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت وارد نخواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۱۹).

با مطالعه در سیره‌ی عملی و نظری حضرت امام استفاده می‌شود که در اندیشه‌ی ایشان چه پیش از برقراری جمهوری اسلامی و چه پس از آن همواره اسلامیت آن را به مثابه‌ی موضوع امنیتی تلقی کرده و در این باره می‌فرمایند:

«اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده و آن‌چه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است» (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۸).

از این رو هرگونه تلاش و حرکتی برای طرح و حاکم ساختن الگوی غیراسلامی، از آن جا که با جوهره‌ی ارزشی نظام جمهوری اسلامی تعارض دارد، به عنوان حرکت ضد امنیتی محسوب می‌شود و طبق اصل اول و دوم قانون اساسی در حکم تهدید به حساب می‌آید و مقابله با آن ضروری است. «واقع مطلب این است که این‌ها اسلام را نمی‌خواهند. اگر جمهوری اسلامی یک جمهوری دموکراتیک بود، آن‌ها حرفی نداشتند، لکن جمهوری اسلامی است، که دستورات اسلام برای آن‌ها در غارتگری‌ها و در زورگویی‌ها، مجال نمی‌خواهد بدهد» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۹: ۹۰).

از دیدگاه امام(ره) حکومتی مشروعیت دارد که مبتنی بر قوانین واحکام اسلام و نیزمتکی به رأی مردم باشد. ایشان در این باره می‌فرمایند: «حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است مثل سایر جمهوری‌ها و لکن قانونش قانون اسلامی است» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۴۷). لذا از نظر حضرت امام، اگر حکومت و حاکمان، رضایت و پذیرش مردمی داشته باشند، خداوند متعال هم از آنان راضی می‌شود. از همین روست که ایشان حکومت اسلامی را حکومتی موافق مردم و موافق حکم خدا معرفی کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۶۰).

یکی دیگر از عوامل ایجاد نظم و امنیت در جامعه، قانون‌گرایی و پرهیز از قانون‌گریزی است. امام خمینی(ره)، حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی مبتنی بر قانون عدل الهی دانسته و به اعتقاد ایشان «همه در سایه‌ی قانون با امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ حاکمی حق ندارد برخلاف مقررات و قانون شرع مطهر، قدمی بردارد.» (امام خمینی، ۱۳۷۳: ۶۲).

همچنین امام(ره) همه‌ی مردم و مسئولان را به رعایت قانون اساسی وضوابط اسلامی فراخوانده و می‌فرمایند: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید و لو برخلاف رأی شما باشد؛ باید بپذیرید، برای این که میزان اکثریت است و تشخیص شورای

نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه‌ی ما باید بپذیریم. من هم ممکن است با بسیاری از چیزها، من که یک طلبه هستم، مخالف باشم، لکن وقتی قانون شد، خب ما هم می‌پذیریم» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۴: ۳۷۷).

امام راحل (ره) تخلف و عدول از سیاست نفی و وابستگی سیاسی و سیاست نه شرقی، نه غربی را خیانت و اخلال در امنیت و استقلال نظام اسلامی می‌داند و می‌فرماید: «برهیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت، اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۲۱: ۳۶).

در اندیشه‌ی سیاسی امام (ره) بر ضرورت استقلال فکری و فرهنگی و عدم قبول وابستگی تأکید شده است: «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدها‌ی اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده‌اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان‌پذیر است» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۵: ۱۶۰).

امام (ره) درباره‌ی اهمیت فرهنگ می‌فرماید: «... اگر جامعه از نظر فرهنگی، وابسته و تابع فرهنگ بیگانه باشد، مجبور می‌شود که در ابعاد دیگر اجتماعی هم به سوی دشمن

برود و در نهایت، نابود می‌شود و شرف خود را در همه‌ی زمینه‌ها از دست می‌دهد» (یاسین، ۷۶).

حضرت امام (ره) برای اصلاح فرهنگ جامعه می‌فرماید: «باید آن‌هایی که به این کشور علاقه دارند، آن‌هایی که به این ملت علاقه دارند، آن‌هایی که خودشان وابسته نیستند و خدمت‌گزار ابرقدرت‌ها نیستند، آن‌ها همت کنند به این که دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد، که همه‌ی تخصص‌ها در خدمت خود کشور باشد نه این که متخصص بشود و با آن تخصصش ما را به دامن آمریکا بکشد، متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۳: ۲۰۹). «صدمه‌هایی که وارد می‌شود بر مملکت، غالباً از این متفکرین بی‌پرورش، آموزش‌های بی‌پرورش واقع می‌شود، علم را تحصیل می‌کنند لکن، تقوا ندارند» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

امام خمینی (ره) امنیت را بهترین وسیله‌ی جلب اعتماد مردم و موفقیت دولت‌ها می‌داند و می‌فرماید: «هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه، نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با تشکیل حکومت و اجرای احکام امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود مانند رسول اکرم (ص) و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ۵۹). ایشان در جای دیگری حکومت اسلامی را حکومت عدل و عدالت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می‌کند. عدالت الهی بر تمام ملت سایه می‌افکند» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۷۹).

از دیدگاه اسلام و امام (ره)، امنیت تنها در مورد جان و مال و ناموس مردم خلاصه نمی‌شود؛ بلکه شامل تأمین شغل و مسکن و سایر امنیت‌های اجتماعی نیز می‌باشد. در اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح شده است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن،

شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند» (منصور، ۱۳۷۸: ۳۲). اسلام ورود بدون اجازه به مسکن دیگران را ممنوع نموده و تعرض می‌داند، حتی نگاه کردن به داخل خانه و محل سکونت پوشیده شده‌ی مردم را جایز نمی‌داند، تا آن جا که اگر شخص متعرض، به هنگام دفاع صاحب خانه به قتل برسد، خونش مهدور است (امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۱، ۴۹۱). حضرت امام (ره) در فرمان هشت ماده‌ای خطاب به مسئولان نظام درخصوص امنیت شغلی و عدم دخالت در زندگی خصوصی افراد می‌فرماید: «ما نباید ظلم کنیم، یعنی تفتیش نماییم که در داخل خانه‌های مردم چه می‌گذرد، کسی هم حق ندارد عشرتکده درست کند و یا قمارخانه. در حکومت اسلامی با این‌گونه امور مبارزه می‌شود. ما می‌خواهیم احکام خدا جاری شود. آن طرفش هست، این طرفش هم هست. آن طرف که نباید با مردم بدرفتاری کرد، نباید داخل منازل مردم ریخت، مردم باید در خانه‌هایشان مطمئن باشند، در زندگی‌شان، کسب و تجارتشان اطمینان داشته باشند. دولت اسلامی موظف است مردم را مطمئن نماید در همه چیز، در سرمایه‌هایشان در کسب و کارشان. دولت حق ندارد به آن‌ها تعدی نماید و اگر کسی تعدی کرد، تأدیب خواهد شد. از آن طرف هم اگر کسانی که مخالف اسلام هستند، بخواهند تجاهر به فسق نمایند، آن‌ها هم تأدیب خواهند شد. ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه، ممنوع است...» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱۷: ۱۶۱).

یکی دیگر از راه‌های تأمین نظم و امنیت اجتماعی، مبارزه و برخورد جدی با فساد و انواع انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی است. امام (ره) چنین پدیده‌ای را به عنوان غده‌ی سرطانی معرفی کرده و معتقدند: آن که فاسد می‌کند جامعه را، و دست از فسادش برنخواهد داشت، او را باید از جامعه جدا کرد؛ او یک غده‌ی سرطانی است که جامعه را فاسد می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۸۲).

از دیدگاه امام (ره) برای اصلاح امور جامعه و استقرار نظم و امنیت، امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و نظارت کارگزاران نظام از وظایف مهم اجتماعی به حساب می‌آید و لازم است.

ایشان حتی مردم را به انتقاد از خودشان فراخوانده، می‌فرمایند: «همه‌ی ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن» (امام خمینی، ۱۳۸۸ ج ۸: ۵). وی در جای دیگری این اصل اجتماعی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمایند: «کوشش کنید که احکام اسلام را، هم عمل کنید و هم وادار کنید که دیگران عمل کنند. همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند» (امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۹: ۲۹۱).

امنیت سیاسی و اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رهبری:

مقام معظم رهبری نیز اصول سیاست خارجی را حول محور سه اصل بنیادین عزت، حکمت و مصلحت بیان کرده‌اند که به کار بستن این اصول در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، نشانه‌ی شوکت، اقتدار و امنیت نظام مقدس جمهوری اسلامی است. «... متأسفانه برخی از کشورها، تز معروف «استقلال کمتر، امنیت بیشتر» را دنبال می‌کنند و برای آسودگی خیال و جلوگیری از تجاوز دشمن، کشور خود را در اختیار یک قدرت بزرگ قرار داده‌اند، این امر به قول معروف «خودکشی از ترس مرگ» است! یعنی ما خودمان کاری کنیم که دشمن دیگر نیازی به تجاوز نداشته باشد، در همه‌ی بخش‌ها دشمن را سهیم و شریک کنیم، تا نیازی به تجاوز نباشد!! بنابراین در بخش سیاسی مقداری وابستگی، در بخش فرهنگی مقداری بی‌هویتی، تسلیم و تقلید کورکورانه و در بخش اقتصادی اشتراک منافع با دیگران، حاصل این تفکر است. کشورهایی در اطراف ما وجود دارند که مجری این روش‌ها هستند.

در خود ایران قبل از انقلاب نیز، وضع چنین بود. مردم ما در گذشته با این شیوه کاملاً آشنا بودند و امنیت در ایران از طریق وابستگی در بخش سیاسی، در بخش فرهنگی و در بخش اقتصادی تأمین می‌شد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۴۶).

امنیت از دیدگاه استاد مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری حکومت را تدبیر امور اجتماعی به منظور تحقق نظم، امنیت، رفاه و برقراری عدالت اجتماعی می‌داند. یکی دیگر از مباحثی که به دنبال ضرورت و چگونگی شکل‌گیری حکومت در ذهن این اندیشمند سیاسی مطرح می‌شود، این است که، فلسفه‌ی وجودی حکومت چیست؟ به عبارت دیگر اهداف حکومت شامل چه مواردی می‌شود؟ استاد مطهری با استناد به نهج‌البلاغه در چند اثر خود از جمله نهضت‌های اسلامی درصد ساله‌ی اخیر، پیرامون جمهوری اسلامی و پیرامون انقلاب اسلامی این اهداف را تشریح می‌کند و مهم‌ترین آن را بازگشت به اسلام واقعی، توسعه‌ی اقتصادی و تأمین امنیت، اصلاح روابط اجتماعی و قانون‌گرایی می‌داند.

جامعه، نیازمند است به حکمران، وضع قانون، اجرای قانون، مصالح کلی جامعه در مقابل فرد، وحدت، تأمین امکانات اجتماعی، دفاع از هجوم اقوام و ملل دیگر، جلوگیری از تجاوزات افراد در داخل و حفظ و آزادی و امنیت افراد از تجاوز افراد دیگر (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۵۰).

مهم‌ترین آسیب اقتصادی انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری، عدم امنیت اقتصادی است.

یکی از اهداف حکومت دینی، اصلاح روابط طبقات مختلف جامعه است. حکومت با طرفداری از مظلوم به احقاق حق وی از ظالم در هر مقام و منصبی که باشد، می‌پردازد و امنیت جامعه را به نحوی تنظیم می‌کند که طبقات مختلف جامعه به یکدیگر تعدی نکنند، البته این امنیت دوطرفه است یعنی از سویی باید سرمایه‌های مردم از امنیت کامل برخوردار

باشد و کسی به آن تعدی نکند و از سوی دیگر در صورت تعدی شخص متمول به حقوق ضعیف، حکومت موظف به دفاع از اوست. شهید مطهری درباره‌ی حفظ امنیت سرمایه و اجتماع می‌گوید: حضرت علی(ع) در آن فرمانی که به مالک‌اشتر نوشته است، جمله‌ای دارد که عین آن در اصول کافی هم هست، به او می‌گوید: مالک تو باید به گونه‌ای حکومت بکنی که مردم تو را به معنای واقعی، تأمین‌کننده‌ی امنیتشان و نگهداری هستی و مالشان و دوست عزیز خودشان بدانند.

مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر امنیت درونی برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی را که در تحقق امنیت سیاسی و اجتماعی مؤثرند؛ عبارتند از:

ایجاد انگیزه در افراد

یکی از وظایف بسیار مهم مدیریت جامعه در ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی، به وجود آوردن انگیزه^۱ در افراد جامعه است. گفته‌اند که انگیزه، حالت یا وضعی روانی است که رفتار را در جهت هدف هدایت می‌کند. وظایف افراد در جامعه هر اندازه که دقیق و حساب شده باشد؛ تا زمانی که افراد انگیزه‌ی کار و فعالیت نداشته باشند؛ به طور مؤثر به مرحله‌ی عمل در نخواهد آمد و محیط جامعه یک محیط امن برای افراد نخواهد بود. انگیزه یا محرک افراد، ممکن است کاملاً درونی باشد، ولی غالباً لازم است که مدیر از محرک‌های بیرونی برای انگیزش آنان استفاده کند. مطالعات اولیه‌ی مدیریت در رفتار انسانی غالباً قدرت انگیزشی عوامل اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دادند. افراد انسانی علاوه بر رفع نیازهای اساسی جویای موقعیت‌هایی هستند که بتوانند نیازهای درونی خود را ارضا نمایند. ایجاد شرایطی که افراد را از لحاظ ارضای نیازهای کسب منزلت و احترام،

اهمیت و موفقیت و رشد و پیشرفت یاری بخشد و آسوده خاطر سازد؛ انگیزه‌ی کار و فعالیت را در آن‌ها تقویت می‌کند (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۱۰۳). رفتار فرد در جامعه تحت تأثیر یک سلسله عوامل برونی^۱ و یک سلسله عوامل درونی^۲ شکل می‌گیرد. عوامل برونی عواملی هستند که، از بیرون بر فرد اثراتی می‌گذارند، مانند محیط اجتماعی و رفتار سایر افراد. عوامل خارجی شامل نیازهای خاص شغلی، موفقیت فرد در سلسله مراتب سازمانی، رفتار مدیران، سرپرستان، زیردستان و همکاران. عوامل درونی عواملی هستند، که از درون فرد سرچشمه می‌گیرند و شامل ادراک و برداشت‌های فرد از محیط و طرز تلقی و نیازهای او و انگیزه‌های وی می‌باشند. لازم به یادآوری است که عوامل درونی و بیرونی بر روی هم نیز اثر می‌گذارند؛ مثلاً رفتار مدیر نسبت به زیردست (به عنوان یک عامل بیرونی) بر علاقه‌مندی فرد نسبت به زیر دست (به عنوان یک عامل درونی) اثر می‌گذارد. این تأثیر، خود باعث سرزدن رفتاری خاص از فرودست در مقابل دستورات فرادست شده و فرادست نیز متقابلاً به رفتاری خاص دست می‌زند و همه‌ی این‌ها در امنیت جامعه، مؤثر است. انسان می‌کوشد تا با دست زدن به رفتارهای گوناگون در مقابل عوامل برونی و درونی واکنش‌های ارضاکنده از خود نشان دهد. هرگاه دست زدن به یک عمل برای پاسخ عوامل درونی و بیرونی کفایت کند؛ فرد با مسأله‌ای مواجه نخواهد بود و از این نظر دچار تعارض نمی‌شود؛ اما هرگاه برای پاسخ به عوامل درونی و بیرونی دو عمل متفاوت و متضاد لازم باشد، فرد دچار تعارض و نگرانی خواهد شد. به عنوان مثال فردی که مجبور است از یک سلسله دستورات مافوق اطاعت کند و آن دستورات برایش قابل قبول نباشد؛ دچار تعارض می‌گردد. او در مقابل دستورات که یک سلسله عوامل بیرونی هستند، مجبور به فرمان‌برداری است؛ در حالی که در مقابل ارزش‌های ذهنی خود که یک عامل درونی است، انجام آن دستورات غیر قابل قبول و ناشایست می‌باشند و این دوگانگی او را آزرده

1. Enternal Factors
2. Internal Factors

و نگران می‌سازد. در چنین حالتی دو نیروی متضاد در فرد به تکاپو می‌افتند و هرکدام او را به سویی می‌رانند. دوگانگی‌هایی که در درون آدمی وجود می‌آید، موجبات اضطراب و نگرانی وی را فراهم می‌سازد و نتایج کار او را در جامعه، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدین لحاظ باید کوشید که در جامعه، این‌گونه تعارض‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد، زیرا توفیق در نیل به هدف‌های جامعه و برقراری امنیت تا حدود زیادی به رفتار افرادی است که در آن جامعه، کار می‌کنند. روش‌های ایجاد انگیزه در جامعه برای ایجاد و حفظ امنیت سیاسی اجتماعی عبارتند از:

الف- مشورت و نظرخواهی با افراد جامعه

ب- همدستی و مشارکت در کار و مدیریت مشارکتی

پ- اعتماد و احترام متقابل بین افراد

ت- توجه به نیازهای مادی و معنوی افراد

ث- توجه به شخصیت افراد و رعایت مدیریت روابط انسانی

ج - تفویض اختیار بیشتر به زیردستان

امنیت شغلی

یکی از عوامل مؤثر در تحقق امنیت سیاسی اجتماعی، توجه به امنیت شغلی افراد است. برای مثال اگر کارمندی از نظر مادی، فکری، شغلی و ... امنیت نداشته باشد، مسلماً در راستای تحقق اهداف آن جامعه موفق نخواهد بود و در جهت ایجاد و حفظ امنیت اجتماعی نمی‌تواند قدمی بردارد. انجمن‌های صنفی کارکنان می‌توانند با حمایت همه‌جانبه از آن‌ها، قدم‌های مؤثری در جهت ایجاد و حفظ امنیت بردارند و به همین دلیل این‌گونه انجمن‌ها باید مورد توجه مسئولان نظام سیاسی جامعه، قرار گیرند.

بهداشت روانی و کاهش استرس:

بهداشت روانی، دانش و هنری است که به افراد کمک می‌کند تا با ایجاد روش‌های صحیح روانی و عاطفی بتوانند با محیط خود سازگاری حاصل نموده و برای حل مشکلات خود از راه‌های مطلوب اقدام نمایند و آن‌ها را قادر می‌سازد تا توانایی‌های جسمی و روانی خود را به حداکثر رسانیده، از استرس‌های ناشی از تعامل بین افراد جلوگیری کرده، زندگی اجتماعی، اقتصادی بارور و هماهنگ با محیط داشته باشند. یکی از عوامل بهداشت روانی عزت نفس است. مدیران باید برای افراد جامعه رقابت‌هایی را به وجود آورند که افراد بتوانند موفقیتی به دست آورند و عزت نفس آن‌ها نیز بالا رود. مدیر نباید شکست افراد را بزرگ جلوه دهد و هر روز به رخ آن‌ها بکشد و عزت نفس آن‌ها را پایین بیاورد. نگرش مثبت یا منفی مدیران در بهداشت روانی افراد جامعه، بسیار مؤثر است. اگر نگرش به عملکرد مثبت باشد، کارایی و خلاقیت، اخلاق و رفتار بالا می‌رود، یعنی افراد سازمان یا جامعه نه دروغ می‌گویند و نه غیبت می‌کنند و نه ناهنجاری به وجود می‌آید و نهایتاً امنیت در محیط جامعه، استقرار خواهد یافت. از دیگر عوامل بهداشت روانی، احترام و حفظ شخصیت انسانی افراد است. تحقیر کردن افراد جامعه، سلامتی روانی آن‌ها را به خطر می‌اندازد و در فرایند^۱ ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی اثرات زیادی دارد.

یکی از عوامل تحقق امنیت در جامعه و توجه به بهداشت روانی، پایین بردن اضطراب و استرس‌های روانی افراد از مسائلی است که پیرامون آن‌هاست. با خط مشی‌های مدیریت مشارکتی می‌توان، این اضطراب را به حداقل کاهش داد، زیرا اضطراب محیط امن و آرام را به هم می‌زند و محیط جامعه را از اهداف خود دور می‌سازد. علاوه بر این، از بین بردن ریشه‌های مسائل استرس‌زا در جامعه، در برقراری امنیت سیاسی و اجتماعی از جمله نکاتی است که باید همواره دغدغه‌ی اصلی مسئولان جامعه باشد.

عوامل فیزیکی از قبیل محیط اجتماعی در روحیه‌ی افراد تأثیر به‌سزایی خواهد گذاشت و در بهداشت روانی آن‌ها مؤثر است. به عبارت دیگر اگر محیط اجتماعی تمیز؛ زیبا؛ جذاب و دل‌انگیز باشد؛ یکی از عواملی است که سلامت روانی افراد را در جامعه، تضمین می‌کند (مرندی، ۱۳۷۹: ۱۲).

ایجاد روحیه‌ی مشارکت و کار جمعی:

یکی از مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی ایجاد روحیه‌ی مشارکت و کار جمعی است. در یک محیط اجتماعی تأکید می‌شود که راجع به ملاک‌های عملکرد فرد و گروه پیشاپیش با مشارکت طرفین تصمیم‌گیری کرد. در اتخاذ این تصمیمات، مدیر و زیر دستانش باید هدف‌های کوتاه مدت و دراز مدت را مورد توجه قرار دهند. این کار دو فایده دارد؛ یکی این که به زیر دستان فرصت می‌دهد که در تعیین مبنایی که کوشش‌های آن‌ها بر اساس آن، داوری می‌شود، مشارکت کنند؛ دوم، شرکت دادن در برنامه ریزی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، تعهد آنان را نسبت به اهداف و مقاصد تعیین شده افزایش خواهد داد. اگر با رویکرد مشارکتی به محیط اجتماعی بنگریم مسلماً خیلی از برنامه‌ها را در تعامل متقابل با اعضای آن و با هزینه و تنش‌های کمتر و با کیفیت بهتری می‌توانیم اجرا کنیم و باعث رهاسازی انرژی‌ها و توانایی‌های بالقوه در نیروی انسانی باشیم. قطعاً در چنین شرایطی میزان تفاهم عمومی افزایش می‌یابد و کارکردهای اجرایی امنیت در جامعه، تسهیل خواهد شد. از نظر سرکار آرانی زمینه‌ی دیگر این نوع مشارکت، به ارتباط مردم و حاکمیت مربوط می‌شود؛ یعنی ما چگونه سیاست‌های اجتماعی را در جامعه مطرح کنیم، تا بتوانیم حمایت افراد جامعه را هم داشته باشیم (سرکار آرانی، ۱۳۷۹: ۱۱)

احترام و اعتماد متقابل:

یکی از عواملی که در محیط جامعه ضریب امنیت را افزایش می‌دهد، احترام و اعتماد متقابل بین افراد است. رنسیس لیکرت^۱ در نظریه‌ی خود معروف به سیستم‌های مدیریت^۲ سیستمی را معرفی می‌کند به نام سیستم شماره‌ی چهار. در این نوع مدیریت، اعتماد و اطمینان متقابل بین کارکنان یک سازمان یا جامعه وجود دارد؛ ارتباطات نه فقط در جهات بالا و پایین بلکه بین گروه‌ها و همگنان موجود است. تحت این مدیریت کنش و واکنش متقابل رئیس و مرئوس، گسترده و دوستانه و توأم با اعتماد و اطمینان فراوان است (علاقه بند، ۱۳۶۵: ۶۷) سیستم مدیریت شماره‌ی چهار لیکرت را می‌توان در محیط جامعه به منظور ایجاد روحیه‌ی احترام و اعتماد متقابل بین افراد در جهت تحقق امنیت اجتماعی مورد استفاده قرار داد.

محیط مؤثر و امن:

یکی از ویژگی‌های رهبری آن است که مدیر در نقش رهبر بتواند، اولاً محیط کار خود را با تعریف و تفسیر هدف‌ها، تهیه و اجرای برنامه‌ها و راهنمایی مؤثر فعالیت‌ها، به یک نظام همکاری فعال و پویا مبدل سازد و ثانیاً با یاری و مساعدت به افراد؛ آن‌ها را در نوآوری و انجام کار مؤثر، تقویت نماید. در چنین شرایطی است که موجبات شکوفایی استعدادها و قابلیت‌ها فراهم می‌شود؛ افراد به کار اثربخش برانگیخته می‌شوند؛ در جریان فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند و روی هم رفته، محیط مؤثر، امن و مساعدی را برای فعالیت‌ها و تحقق اهداف آن به وجود می‌آورند (علاقه بند، ۱۳۷۴: ۲۰۰).

1. Rensis Likert

2. Management Systems

علاوه بر این، بر طبق تئوری سیکل زندگی^۱ کرمن^۲: همچنان که سطح بلوغ کارکنان یک محیط اداری بالا می‌رود، رفتار مدیریت و رهبری مناسب ضمن افزودن بر روابط انسانی، مستلزم کاهش اعمال مقررات غیر قابل انعطاف است. رابطه‌ی معلم و شاگرد در محیط‌های آموزشی، مثال دیگری از تئوری سیکل زندگی است. تدریس اثربخش به دانش‌آموزان سطوح پایین مستلزم رفتار غیرقابل انعطاف و آمرانه از طرف معلم است. معلم در این سطوح الگوهای مقتضی از لحاظ عادات حضور در کلاس و رعایت مقررات آموزشی و درس خواندن را تقویت می‌کند؛ در صورتی که رفتار مبتنی بر روابط بیشتر برای کار کردن با دانش‌آموزان سال‌های بالاتر، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. رابطه‌ی مدیر و معلمان هم، مثال دیگری از تئوری سیکل زندگی کرمن است. سبک رهبری مناسب برای کارکردن با اعضای آموزشی باتجربه، تأکید کم بر مقررات است، زیرا سطح تحصیلات و بلوغ این افراد طوری است که نیاز به اعمال مقررات از طرف رئیس را ندارند؛ حتی گاهی از این کار تنفر دارند (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۱۳۵). رعایت همه‌ی موارد فوق در یک محیط اجتماعی؛ ضریب امنیت آن محیط را بالا می‌برد و در تحقق عوامل مؤثر در ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی نقش به‌سزایی دارد.

یکی از عوامل مخل امنیت در محیط‌های اجتماعی، مقاومت در برابر ایجاد تغییرات است، مقاومت در برابر تعویض مدیر، معاون و یا برنامه‌های جدید. مقاومت در مقابل تغییر یکی از مباحث مهم امنیتی محیط‌های اجتماعی است. تعویض بدون برنامه‌ریزی یک مدیر یا معاون، موجب مقاومت کارکنان در برابر این تصمیم می‌شود و در نهایت امنیت را به خطر می‌اندازد. علل این مقاومت، درک غلط از اهداف، تغییر و توجیه نشدن، خو گرفتن به وضع موجود، نیاز به صرف وقت و آموختن مهارت‌های تازه، ترس از دست دادن موقعیت و در نظر نگرفتن نیازهای کارکنان می‌باشد.

1. Life Cycle Theory
2. Korman

روش‌های مدیریت در مقابل تغییر عبارتند از:

الف- هر مورد تغییر، باید با ویژگی‌های افراد ذی‌نفع هماهنگی داشته باشد.

ب- تغییرات باید در رفع نیازهای افراد مؤثر باشند.

پ- جلسات توجیهی و آموزشی به خاطر اشتراک مساعی در رفع مشکلات و نارسایی‌های موجود برای ایجاد تغییرات برنامه‌ریزی و تشکیل شود.

ت- تغییرات جنبه‌ی تحمیلی نداشته باشند و با مشارکت افراد و از طرف و به زبان آن‌ها پیشنهاد شود؛ زیرا هر چه افراد ذی‌نفع در تعیین تغییرات لازم و نحوه‌ی اجرای آن‌ها بیشتر مشارکت داشته باشند، کمتر از خود مقاومت نشان می‌دهند و در نتیجه، تغییر از ثبات و دوام بیشتری برخوردار خواهد شد.

ث- تغییرات را به موارد مفید و لازم محدود سازیم.

ج- تغییرات تدریجی انجام گیرد نه به صورت شدید و انقلابی.

خود کنترلی:

خود کنترلی و خود ارزشیابی^۱ یکی از مراتب خود شناسی در آموزه‌های اسلامی است. این امر می‌تواند انسان را در جهت کمال یاری دهد و او را به مقام واقعی خود ارتقا بخشد. حدیث با ارزش «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» در همین راستا می‌باشد. برطبق این روش، انسان باید در مسیر رشد و تکامل خویش بر اعمال و رفتار خود نظارت و کنترل داشته باشد، این کنترل که نتیجه‌ی نظارت الهی است، یک کنترل درونی است که از آن به نفس لوامه، تعبیر شده است یعنی نفسی که انسان را در مقابل نفس اماره، کنترل می‌کند تا مبادا از مسیر اصلی منحرف شود. علی^(ع) در خطبه‌ی ۱۰۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «العالم من عرف قدره و کفی بالمرء جهلا الا یعرف قدره»؛ شخص دانا و عالم کسی است که قدر خود را بشناسد و برای

1. Self Evaluation

جهل و نادانی انسان همین بس که از قدر و منزلت خویش بی‌خبر ماند (سرمدی، ۱۳۷۹: ۹۲).

انسانی که قدر و منزلت خود را درک می‌کند، استعداد‌های مثبت وجود خود را به هدر نمی‌دهد، چنین انسانی نسبت به رشد و کمال خود به دیده‌ی بی‌اعتنایی نمی‌نگرد، حسنات خود را شوخی تلقی نکرده و به بازی نمی‌گیرد. این انسان به جای آن که به عیب‌جویی از این و آن پردازد، به عیب خویش توجه کرده و سعی در اصلاح خویش می‌کند. (سرمدی، ۱۳۷۹: ۹۲). چنین رویکردی در مدیریت اسلامی، نیاز به نظارت و کنترل بیرونی را کاهش می‌دهد و مدیریت جامعه را در تحقق اهداف امنیت سیاسی و اجتماعی یاری خواهد کرد.

امنیت اقتصادی

یکی دیگر از اقسام امنیت، امنیت اقتصادی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی، جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه». دولت اسلامی برای استقرار ثبات و امنیت و رفاه اجتماعی وظیفه دارد از طریق درآمدهای عمومی و پرداخت حق بیمه‌ی بازنشستگی، زندگی افراد کهن سال و از کار افتاده و محرومان جامعه را تأمین نماید و معضل بزرگ بی‌کاری را با اجرای طرح‌های اشتغال‌زا مرتفع سازد.

بدیهی است که امنیت اقتصادی بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود. اگر آینده‌ی روشنی برای افراد یک محیط اجتماعی از نظر اقتصادی وجود داشته باشد و اگر اقتصاد یک جامعه سالم و پویا باشد، آن محیط از اضطراب‌ها، عصبانیت‌ها و تنش‌ها، بری خواهد

بود و محیطی امن و راحت برای کار و تلاش خواهد بود. در غیر این صورت، امنیت اجتماعی آسیب می‌بیند.

ثبات سیاسی

ثبات سیاسی، آزادی بیان و نظام سیاسی مردمی، به طور غیر مستقیم امنیت جامعه را تضمین خواهد کرد. اما کشورهایی که ثبات سیاسی ندارند و آزادی بیان در جامعه و مطبوعات آن‌ها وجود ندارد و نظام سیاسی جامعه، مردم سالاری نیست، طبیعی است که فاقد محیطی امن و راحت برای افراد باشند.

سیستم مدیریت

منظور از سیستم مدیریت در این جا گرایش به تمرکز یا عدم تمرکز است که سیستم‌های مدیریت متمرکز و غیرمتمرکز را به وجود می‌آورد. رابطه‌ی سیستم مدیریت متمرکز با امنیت ظاهری و بیرونی یک رابطه‌ی مستقیم است؛ همان‌گونه، مدیریت غیر متمرکز با امنیت درونی یک رابطه‌ی مستقیم دارد. یعنی اگر مدیریت در جامعه‌ای متمرکز باشد، امنیت‌ها، معمولاً بیرونی و ظاهری است در صورتی که اگر مدیریت جامعه‌ای غیر متمرکز باشد، به طور معمول، امنیت درونی حکم فرما خواهد بود؛ زیرا در چنین مدیریتی به زیردستان تفویض اختیار بیشتری شده است و آزادی عمل زیر دستان در انجام امور مسلم است، در صورتی که در سیستم‌های متمرکز چون اکثر تصمیمات در سطوح بالای جامعه صورت می‌گیرد، امنیت معمولاً از بیرون بر جامعه تحمیل می‌شود.

ثبات مدیریت

در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اگر مدیریت‌ها ثبات نداشته باشد و تابع بحران‌های سیاسی موقت و جناح‌بندی‌های سیاسی قرار گیرد، امنیت واقعی در جامعه هم آسیب می‌بیند. اگر با تغییر یک نماینده‌ی مجلس یا وزیر یا رئیس‌جمهور، تمامی صاحبان پست‌های مدیریت جامعه تغییر یابند، بدیهی است که امنیتی که تابعی از ثبات است؛ خدشه دار می‌شود.

امنیت فرهنگی

برقراری نظم و امنیت فرهنگی بر مبنای استقلال فکری و قطع وابستگی فرهنگی و جایگزین کردن فرهنگ مستقل اسلامی - ایرانی از وظایف دولت اسلامی است و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به عبارت دیگر اگر امنیت فرهنگی وجود داشته باشد، امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی هم به وجود می‌آید.

امروزه انسجام فرهنگی را یکی از منابع تأمین‌کننده‌ی امنیت داخلی می‌دانند. غرض از این مفهوم وجود سطح قابل قبولی از هماهنگی میان نهادهای متولی امور اجتماعی-فرهنگی در جامعه است که در نتیجه‌ی آن، تضاد در حوزه‌ی نهادهای فرهنگی به حداقل رسیده یا از بین برود. راه رسیدن به استقلال فرهنگی یکی پایان دادن به فرهنگ بیگانه و دیگری بازگشت به اصالت خویش و هویت اسلامی است. خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب و بیگانه شدن از خویشتن خویش باعث تزلزل فرهنگی و اخلاقی خواهد شد و امنیت و ثبات فرهنگی جامعه را به خطر می‌اندازد. فرهنگ^۱ یک جامعه با تمامی جنبه‌های آن از قبیل، آداب و رسوم و سنن، دین و مذهب، اعتقادات، هنجارها و رفتارهای اجتماعی و غیره از جمله عواملی است که در تحقق امنیت اجتماعی اثر می‌گذارد. آداب و

رسوم یک جامعه، دین و مذهب حاکم بر جامعه و اعتقادات مردم در یک محیط، می‌تواند هم امنیت را ایجاد کند و هم محیط را ناامن سازد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

با توجه به سؤال و فرضیه‌های تحقیق و مباحث و مطالب بیان شده می‌توان گفت؛ که مؤلفه‌های امنیت سیاسی و اجتماعی در چشم‌انداز ج.ا.ا. عبارت از: ثبات سیاسی، ثبات مدیریت، امنیت شغلی، امنیت فرهنگی، بهداشت روانی، ایجاد روحیه مشارکت، ایجاد محیط مؤثر و امن و خودکنترلی است. به عبارت دیگر، مدیریت جامعه در جمهوری اسلامی ایران نیازمند مؤلفه‌های مذکور، برای ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی است که با همکاری نهادهای اجتماعی به ویژه آموزش و پرورش، صدا و سیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی و... قابل تحقق است و باید در این زمینه در جامعه، فرهنگ سازی لازم انجام گیرد. علاوه بر این برای ایجاد چنین امنیتی، نیازمند تغییر و تحولی بنیادی در اهداف، روش‌ها، مدیریت و برنامه ریزی‌های درون سازمان‌ها است که تحقق اهداف امنیت سیاسی و اجتماعی را میسر خواهد کرد.

در مجموع می‌توان گفت؛ که در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران، احراز جایگاه نخست را در منطقه بر اساس سند چشم‌انداز توسعه علمی، اقتصادی و فرهنگی کشور هدف گذاری کرده است، بی‌درنگ می‌باید راهبردهای ویژه‌ای را ایجاد کند و یا توسعه دهد. از جمله مسائلی که می‌بایست در این زمینه، مورد توجه قرار گیرد، نقش مدیریت در ایجاد امنیت سیاسی و اجتماعی است. مدیریت جامعه، علاوه بر نقش امنیت بیرونی، نقش امنیت درونی را نیز در جامعه بر عهده دارد؛ نقشی که بر طبق آموزه‌های اسلامی، زمینه‌ساز رشد و کمال انسان‌ها در جامعه می‌باشد. این نقش جنبه‌ی پیش‌گیرانه دارد. به عبارت دیگر، زمینه‌ی ایجاد عوامل مخل امنیت را در جامعه از بین می‌برد. لذا از این طریق، نقش مدیریت در ایجاد امنیت بیرونی در جامعه نیز تسهیل خواهد شد.

ایجاد امنیت تنها کار پلیس یا نیروی انتظامی یا نیروی اطلاعاتی و امثال آن‌ها نیست؛ تمام دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغی از آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها گرفته تا رسانه‌های گروهی، همه و همه باید دست به دست هم بدهند تا نظم، انضباط و احترام به قانون به یک ارزش تبدیل شود، به طوری که اگر یک فرد از اعضای خانواده کارخلافی انجام داد، نتواند آن را برای خانواده‌ی خود نقل کند؛ هنوز متأسفانه در فرهنگ جامعه، بسیاری از کارهای خلاف، نوعی زرنگی تلقی می‌شود! این امر مستلزم یک تحول عمیق فرهنگی است؛ تا این تحول انجام نگیرد ما به اهداف بلند خود در سند چشم‌انداز نخواهیم رسید.

در این تحقیق سعی بر این بود، که مؤلفه‌ها و ملزومات امنیت سیاسی و اجتماعی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج.۱.۱. با تأکید بر امنیت درونی شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد که البته تا حد توان محققان، این کار انجام گرفت و راه‌کارهای مناسبی پیشنهاد شد، اما در این زمینه، میدان برای پژوهش و تحقیق باز است و می‌توان از دیدگاه‌های دیگر اجتماعی نیز به این پدیده نگاه کرد.

پیشنهادات:

در جهت تحقق امنیت سیاسی و اجتماعی، با تأکید بر نقش مدیریت در جامعه‌ی اسلامی پیشنهاد می‌شود:

۱. نهادهای آموزشی جامعه در جامعه پذیر کردن کودکان، نوجوانان و جوانان و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه و آشنا کردن آنان با حقوق، وظایف، تکالیف و نقش‌های یک شهروند، گام‌های مؤثری بردارند.
۲. نهادهای اجتماعی با برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و دراز مدت در جهت گرایش به عدم تمرکز و واگذاری هرچه بیشتر امور به مردم، گام‌های بلندی بردارند.

۳. زمینه‌های مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و... ایجاد گردد.
۴. بهداشت روانی افراد جامعه، مورد توجه مسئولان امر قرار گیرد.
۵. شوراهای کارکنان سازمان‌ها و نهادهای جامعه از حالت انفعالی به حالت فعال در آیند و تقویت شوند و مورد توجه قرار گیرند.
۶. در مدیریت سازمان‌ها و نهادهای جامعه، از سبک‌های مدیریت مبتنی بر روابط انسانی استفاده شود و از اعمال مدیریت‌های کلاسیک و آمرانه پرهیز شود.
۷. امنیت شغلی افراد جامعه مورد توجه قرار گیرد.
۸. مدیران سازمان‌ها با ایجاد انگیزه در کارکنان، آنان را به کار مؤثر تشویق کنند.
۹. در مدیریت نهادهای اجتماعی به ثبات مدیریت توجه لازم مبذول گردد.
۱۰. مدیریت جامعه با همکاری نهادهای اجتماعی به ویژه آموزش و پرورش، صدا و سیما، فرهنگ و ارشاد اسلامی و... در زمینه‌ی نهادینه کردن امنیت درونی در جامعه، بستر مناسب را فراهم کند.

منابع

۱. الهی قمشه‌ای. مهدی. ترجمه‌ی قرآن کریم (سوره‌ی الرحمن، آیه ۲۹)، تهران، انتشارات روزنه.
۲. افجه‌ای. سید علی اکبر. کنترل و نظارت بر منابع انسانی در مدیریت اسلامی، روزنامه‌ی اطلاعات، ضمیمه‌ی اقتصادی یکشنبه ۶۲/۲/۱۸. ص: ۲، ۱۳۶۲.
۳. پال، هرسی و کنث، بلانچارد. مدیریت رفتار سازمانی، ترجمه‌ی علی علاقه بند، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵.
۴. تصدیقی، محمدعلی. مقدمه‌ای بر مدیریت آموزشی، شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. خامنه‌ای، علی. فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب، ۱۳۷۵.
۶. خمینی، روح‌الله. کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها. تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
۷. خمینی. روح‌الله. صحیفه‌ی نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، جلد‌های: ۲۱-۱۹-۱۷-۱۵-۱۴-۱۳-۹-۸-۵-۴، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.
۸. خمینی، روح‌الله. وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام خمینی. چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.
۹. خمینی، روح‌الله. ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۳.
۱۰. خمینی، روح‌الله. تحریر الوسیله. ج ۱، تهران، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. رضائیان، علی. مدیریت رفتار سازمانی، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۲. سرمدی، محمدرضا. مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۹.

۱۳. سرکار آرانی، محمدرضا. «نگاهی به جنبه‌های مختلف مشارکت در آموزش و پرورش»، *روزنامه‌ی همشهری*، شماره‌ی ۲۱۳۹، تهران، مرکز انتشارات روزنامه‌ی همشهری، ص: ۱۱، ۱۳۷۹.
۱۴. سریع‌القلم، محمود. *عقلانیت آینده و توسعه‌یافتگی ایران*. چاپ سوم، تهران، مرکز پژوهش‌های استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲.
۱۵. علاقه‌بند، علی. *مقدمات مدیریت آموزشی تهران*، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۴.
۱۶. کوزر، لیوئیس. *زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۰.
۱۷. گروسی، سعیده و دیگران. «بررسی رابطه‌ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت». *فصلنامه‌ی دانش انتظامی*، شماره‌ی ۳۳، ص: ۳۹-۲۶، ۱۳۸۵.
۱۸. گل‌یزال، ژان. *امنیت، پلیس و جرم*، ترجمه‌ی علی اوسط جاویدزاده، مجله‌ی امنیت، سال اول، شماره‌ی سوم، ص: ۳۳.
۱۹. مرن‌دی، مهدی. «بهداشت روانی دانش‌آموزان»، *روزنامه‌ی همشهری*، شماره‌ی ۲۳۳۰، تهران، مرکز انتشارات همشهری، ص: ۱۲، ۱۳۷۹.
۲۰. مرکز اسناد و مدارک علمی. *واژه‌نامه‌ی آموزش و پرورش*، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۶۲.
۲۱. مطهری، مرتضی. *جاذبه و دافعه‌ی علی*^(ع)، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴.
۲۲. مطهری، مرتضی. *پیرامون جمهوری اسلامی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
۲۳. منصور، جهانگیر. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ هفتم، تهران، نشر دوران، ۱۳۷۸.

۲۴. موسوی، فرانک و دیگران. «نقش حجاب زنان در امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات الکترونیکی همایش زن و افق‌های آینده، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۵. یاسین، کاظم. پایداری و ثبات در شخصیت امام خمینی^(ره)، چاپ اول.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی